

مداخل:

«کلام»، قالب مفاهیم فحش است. سخن، ترجمان انباشته‌ها و احساسات است. الفاظ پارمانی را به دوش می‌کشند. و... شعر، که از جوهره تحویل قوی و ترمیم زنده و تصویر چنانچه، نسبت به آنچه در دل و جان می‌گذرد پرخوردار است، رساتر و نافذتر و ماندگارتر است. ارزش شعر خوب و شمه‌د و قش روشتتر می‌شود که به تاثیرات منفی شعر هجو و لئو و فاسد توجه کنیم، و تاثیر گذاری شعر حق، چنان معلوم می‌گردد که به تپاهگری سروده‌های منفی و اشعار ویرانگر و قابلهای ادبی در استخدام کفر و ستم و گناه دقت شود.

در هر صورت، هر دو، سلاح است؛ یکی با حق، یکی بر حق. هر دو شمشیر است؛ یکی بر فرق باطل، دیگری بر چهره حق. شعر منفی را هم چیزها شعر خوب و پر محتوا و آرمانگرا نمی‌توان پاسخ داد. که این قول خلافت است: «ادفع بالحقى حقى احسن الحق» (مؤمن / ۹۶) با آنچه بهتر است، سینه و پدی را دفع کن.

اگر شعرهای لغو و متزلزل، در خدمت فساد و طغیان، «سینه» باشد، شعر خوب و مسترار و زبها در دفاع از حق، «حسنه» است. «سینات شری» را باید با حسنات شری و هنری از میدان به در برد.

○ حصار شکنی شاعران شیعی

نقاب پر چهره خورشید انباشتن، روشهای تقییم دارد به قدمت انسان و وجود حق و باطل در جهان. و نور را زنجانی کردن در حصار شب، شیوای کهن است؛ اما مرچه هست، برده است و هست و شاید پس از این هم تا همیشه در تاریخ بشر، اعمال گردد. برای آشنایان به یازدهای تاریخ، چندان شگفت نیست که اولاد یاسر و عترت طیه و ائمه دین، که پاکترین، داناترین و شایسته‌ترین انسانهای عصر، خریش بودند، آن گونه مورد هتک حرمت و ستم و طرد و نفی و انزوا قرار گیرند و مورد بی مهری و چش کنیه معاصران خریش باشند که می‌دانید. حوادث تاریخ، روشنگر و تبیین کننده

پکنهگراند.

منوعیت به زبان آوردن نام علی (ع) در دوره امویان و جلوگیری از زهارت «سین» «ع» در آن دوره و در عصر عباسیان، اگر در قرنهای بعد اندکی باور نگرش بوده، در عصر خلفان رضا خانی هم، عزاداری بر حسین «ع» ممنوع بود و مخفیانه در خانه‌ها انجام می‌گرفت و در دوره پهلوی هم، نام و نرادر و اعلامیه و عکس و رساله و کتاب حضرت امام «علی» سر «منوع» بود.

ولی «مگر تبعیدی ما سکوت می‌کردند؟ مگر زنتان، تن به تسلیم می‌دادند؟ شاعران لب فرو می‌بستند؟

در عصر خلفا نیز، امامان شیعه، محور تحریکهای فرهنگی و سیاسی ضد ستم بودند و در فراخوانی به چکادهای بلند حق و ایمان و عدالت و مطرح ساختن الگوهای عینی کمال، هم خود تلاش می‌کردند و هم تلاشگران را مورد حمایت قرار می‌دادند. عنصر «باده» که در کار فاکران اهل بیت و مادحان خورشیدهای اهداست، مطرح بوده در راستای همین شیوه و سیاست بود.

در مقابل شاعران متملن و چاپلوس دربارهای بنی امیه و بنی عباس، که با بیان شعری خود، خلافت را حق مسلم آن خاصان می‌دانستند، شاعران متعهد شیعه، با رسوا کردن دشمنان و افشاگری علیه مظالم و جنایات و بیان بی کفایتی‌های جباران حاکم، به تشریح فضائل آل علی و مروری فراتر از حد.

چه بیار شاعرانی از شیعه، که در سبزه با حکام اموی و دفاع از فرهنگ علوی، سربردار یا آواره گشتند و یا شهید راه فضیلت شدند.^{۱۱} ذکر مناقب اهل بیت در قالب شعر، در مقابل هروغیرنازدها و ملقک پانزدهای وایستگان به خلافت چور، بی ارزشمند بود و چون جهادی محسوب می‌شد که سبزه راه آن تبلیغات مسوم و عتس کننده تلاش فرهنگ حکام بود.

در آن روزگار عتس و خفقان زده نسبت به «راه راست»، احیای فرهنگ اهل بیت، یک تلاش مثبت و سازنده و انقلابی بود و در آشفته بازار جریانهای فکری گونه‌گون، طرح خط فکری الهی، عروة الوثقی اطمینان بخشی بود که می‌توانست مردم را در «صراط مستقیم» آگاهی و

وحدت و انسجام بخشد.

ذکرها و پادها، نوعی مبارزه بود. جداسات انسی و دهماره و وسیلهای برای الهام گیری و یافتن محورهای وحدت مکتبی بود.

حلقات نقل احادیث ائمه، مایه انسجام فکری و پیرنهای عقیدتی به شمار می‌آمد. رفت و آمدها و دید و بازدیدهای شیعیان، شبکه مواصلاتی آنان و تقویت کننده روح جمعی و رشتنه‌های عاطفی هواداران خط امامت محسوب می‌شد.

شعر و مرثیه هم، به عنوان سلاحی موثر در عصر «توانستن» ها و پشتیبان این خط دفاعی بود.

در آن روزگار، شعرا وابسته به دربار، در دفاع و تبلیغ و حمایت و ستایش از حکومت امویان و عباسیان، شعر می‌گفتند و پول می‌گرفتند، کسانی همچون «کمب» بن جعیل، «مترکل لیش» عبدالله بن حجاج سلولی، ابرو العباس اعمی، مسکین دارمی، اشطل، علی بن رقاع و... به آلف و آلف می‌رسیدند و در هم و دینارهای کلان و چاه‌های گران و خلعتهای ویژه دریافت می‌کردند.

در برابر شاعران مکتبی، با شمشیر شعر به میدان می‌آمدند و در عرصه ادب و بیان و حرور کلام و بلاغت و شعر و جلوه‌گری داشتند. از این رو، کسان همچون فرزدق، حرف بن عبدالله، کمیت، عبدالله بن کلیر، دعبل و... با زیباترین و موثرترین شیوه، مفاخر اهل بیت و مظلومیت آل علی و شهیدان راه حق و کشتگان وادی عشق در کربلا را ترسیم می‌کردند.

سنگر داران پرشوری بودند که در میدان ادب، جهادشان سرودن شعرهای «مدح و مرثیه» بوده، و به همین خاطر، اغلب تحت تعقیب قدرتهای حاکم بودند.

به بیان آیه الله خامنه‌ای در این زمینه (در کتاب پیشوای صادق): «با توجه به پایگاه بلند «شعر مسلک» در قرنهای اول و دوم هجری و یادآوری این نکته که شاعر متعهد به یک مسلک، برجسته‌ترین و مؤثرترین نقش را در ترویج گرایشهای مسلک خود و تبیین هدفها و شعارهای آن به کار می‌برد است، طبیعی می‌نماید که حساب ویژه‌ای برای اظهارات و سروده‌های شاعران وابسته به جناحهای سیاسی در نظر گرفته آید. نویسنده کتاب «الایمونی الاوائل» به درستی نقش حماس

و تعیین کننده ادبیات را در قرنهای ۱ و ۲ که روزگار شکوفایی شعر و خطابه عربی است، در کتاب خورد باز نموده است. می‌نویسد: «ادبیات در دلها اثر می‌گذاشت و مهر و گرایش مردم را به این یا آن دسته جلب می‌کرد. شاعران و سخنوران به منزله روزنامه‌های آن عصر بودند که هر یک جهتگیری سیاسی و بزمی را مطرح می‌ساخت و از آن دفاع می‌کرد و یا زبانی مؤثر و شیوایی رسا، دلنلی بر حقیقت گرایش سیاسی خود اقامه می‌نمود و دلایل و قیای خود را مردود می‌ساخت... شاعران مراخرا و علریان، در قصائد خود که غالباً سرشار از نوعی عاطفه شورانگیز ناشی از احساس مظلومیت است، این استدلالها را و ذکر کرده، استدلالهای دیگری - و گاه از نوع همانها - بر حقیقت ادعای ائمه شیعه اراکه می‌نمودند...»^{۱۱}

شعراى حفرگرا و عدالتخواه شیعه، در زمینه احیای یاد و فضائل ائمه و شهدای کربلا، با استفاده از این سلاح مؤثر، قهرمانانه از جبهه علریان دفاع می‌کردند.

● جایگاه مدح و مرثیه
سرودهای مرخصاتر شاعران یافته در آن عصر، عملاً دو محور اساسی داشت:

- ۱- مدایح
- ۲- مرثی

در مدایح فضائل اهل بیت مطرح می‌شد و در مرثی، سوگ و رثای شهدای مظلوم شانندان پیامبر، بویژه شهیدان کربلا، انگیزه آنان نیز، حمایت از حق و ستیز با باطل بود. ته کسب مال و جلب درهم و فینار... حتی در مدحها و مدیحه‌سرایی‌ها، به تمیز استاد محمدرضا حکیمی:

«... شاعران صلف اسلام، که در دامان این تعالیم، تربیت یافته بودند، هرگز به سوی مدحگوئی - به معنای متعارف - نمی‌گراییدند و آن را معلوم می‌دانستند... در شعر منجیب، نظر کلی بر نشر مبادی فین بود و احیای حقایق ایمان و زنده کردن دلها و جانها و جاری ساختن خون حماسه و تعهد در رگها و پی‌ها، از این رو شاعران بزرگ شیعه همیشه برای حکوت‌های فاسد خطری بزرگ محسوب می‌شدند؛ زیرا آنان در خلال مدح آل محقق «ص»، حقایق دین و صفات لازم برای حاکم دینی را یاد می‌کردند و با ذکر صفات اسلامی ایمان و مفاصیه و تحقیر زمامداران، دلها را به حق و حکومت حق

ترجمه می‌دادند.»^{۱۲}

این شیوه، و پیروان این راه، الهام گرفته از رهنمودهای خود ائمه بوده که با صراحت مؤثوق و فراخواننده صاحبان این هنر به دفاع از حق و فضیلت بودند. رفتار و شیوه عملی آنان نیز مؤید این گونه شاعران بوده چه در گفتار و چه با موضع و عمل، مدافع مرثیه‌سرایان حق شعار و مدیحه‌سرایان مقلی بودند.

امام صادق «ع» فرموده است: «من قال فینا بیت شعر نین الله له یناً فی الجنة» هر کس در باره ما شعری بسراید، خداوند به پادشاه آن، خانه‌ای در بهشت پراپش می‌سازد. مهم آن است که این گونه شعرها در ارتباط با خط ولایت باشد. تعبیر «فینا» - درباره ما - گویای این جهتگیری خطی و محتوایی است.

«کعبت»، در موسم حج و ایام تشریق در صفا خلعت امام صادق «ع» رسید و از حضور امام اجازه خواست تا شعری را که سروده است، بخواند. حضرت فرمود: ایمن ایام، ایام بزرگی است (یعنی شعر خواندن در این موقعیت عبادی و جناس، مناسب است)

کعبت گفت: «اینها فیکم» شعر در باره شماست (یعنی مکبئ، موضعدار و بیانگر حق است) حضرت فرمود: بخوان.»^{۱۳}

چنین بر خورد و اجازه گرفتن را هم در «ایام الیض»، با امام باقر علی‌السلام داشته و سروده خویش را درباره شهدای کربلا خوانده است و حاضران با شعر او گوشتناند و امام باقر «ع» او را دعا کرده است.^{۱۴}

«دعبل» نیز یکی از این شاعران والامقام و بلندپایه است که سرودهایش آوازه و نفوذ خاصی داشت و مورد تکریم شایسته حضرت رضا «ع» قرار گرفت. قصیده معروفی «منارس آیات» از که در سوگ شهدای آل‌محمد و به خون خفتگان دشت کربلا و بیان فضائل در همان عصمت و پاک است، یکی از بهترین و زیباترین شعرهای اوست.^{۱۵}

داستان خوبی‌ها شیعه در ادبیات و شعرش، بخش عملی از مجموعه‌های ادبی را (در همه زبانها) تشکیل می‌دهد. در تاریخ سدههای نخستین اسلام، نام و چهره کسانی همچون: حمدانی افوه، صلیف بن یحیون، عبلی کوفی، صنوبری، ابن فراس کشاجم، سیدرفی، سیدمرقش، سید

جمیری، مهیار دیلمی، خطیب خوارزمی، صاحب بن عباد و... دهها تن دیگر در این رواق سرخ می‌درخشید، که آثارشان سرشار از لطافت و زیبایی در سرگ شهیدان و مدح ائمه است.^{۱۶}

● در تلاوم تاریخ

آنچه تاکنون بدان اشاره شده، نگاهی به صدر اسلام و قرون اولیه بود. اما با این خط راست و تمهیدپار، نسبت به عاشورا و قهرمانان شهامت و ابشار، همواره تجلی داشته است. مشعل «یاده» که در سینه‌ها و خاطرهای شیعه، همواره فروزان بوده، از شعر شیعه، سرخت و الهام و انرژی می‌گرفته است.

اگر سرودهای شیعه در این باره نبود و حادثه کربلا، با قلم ماندگار شعر، بر صفحه تاریخ و سینه هاشمیان حق ترسیم نمی‌شد، شاید آن حماسه عظیم فراموش می‌شد یا به صورت کتونی نبود.

امروزه عاشورا همچنان منبع الهام است و حرکت.

و... محرم، همواره فصل سرسپزی ایمانها و عشقهاست.

وصالت گرامی‌داشت و احیای آن «بوم‌الله» نیز بر وارثان «خط سرخ عاشورا» یکا فرضه است.

هر کس به گونهای:

یکی با خرج مال، یکی با برپایی ماتم و سوگ، یکی با اشک‌ریختن و ترحم‌خواندن، یکی با آفرایشن برچم، یکی با سرودن شعر و سرود، یکی با ساختن قلم و اجرای نمایش و تجزیه...

عاشورا، «یادآور» می‌شاهد.

و «شعر» یکی از ابزارهای آن جهاد است.

پاتوس:

۱. نمونه‌ای از این گونه تلاشهای شاعران شهید لجه را در المثنوی ج ۲ از علامه امین و هیبت انقلاب در شبع از دکتر لیثوند مطالعه کنید.
۲. پینوای صلف، ص ۸۱ و ۸۲.
۳. هیبت و تعهد در اسلام، ص ۲۷۲.
۴. وصالی المثنوی ج ۱ ص ۲۶۷.
۵. المثنوی ج ۲ ص ۱۹۲.
۶. همان.
۷. بحث تحسین حلاة امینی درباره این قصیده در المثنوی ج ۲ ص ۳۵۰ نگاه کنید.
۸. درباره شعر و شاعران در اسلام و جاهلگامشان نزد ائمه، و موضع ایمان در کربلا و برخورد خوب و شایسته علما بزرگ دین با عنصر شعر موضعدار و در محنت مدح متعالی، وک: المثنوی ج ۲ ص ۲۲ تا ۲۴ یا ترجمه فارسی المثنوی.